

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ اکتوبر ۲۰۱۸

"آب تا گلو، بچه زیر پای"

شنبه- ۰۵ عقرب ۱۳۹۷- کابل: در گزارش روز گذشته، به اساس اخبار سرچوک از درگیری میان "باندارگ" و "زلمی ویسا" والی خلقی امریکانی شده، پرده برداشتم و نوشتم که قرار شنیدگی در عین حالی که هر دو طرف می کوشند در قبال تمام قضیه خود را بیگناه نشان دهند، مگر مسؤولیت تقرر "بچه برهنه صورت" را به گردن طرف مقابل می اندازند.

تا جائی که باز هم از خبر های سرچوک و آنهایی که از جانب رسانه ها ردای "آگاه سیاسی" را بر دوش افکنده اند بر می آید، گویا اختلافات "باندارگ" با "زلمی ویسا" به فاز جدیدی وارد شده است. همین اخبار می گوید که "باندارگ" برای ساکت ساختن والی، و وادار ساختنش به انصراف از زیاده خواهی، عملاً و علناً از طریق تعدادی از سناتوران انتصابی شخص "غنی احمدزی" طرح محکمه والی را بر سر زبانها انداختند، این تلاشها که از جانب "زلمی ویسا" نیز بی پاسخ نمانده، روی چند دلیل صورت می گیرد:

۱- انحراف افکار عامه در قضیه توطئه قتل قومندان "رازق" از یک حرکت سازماندهی شده بین ارگ، امریکا، طالب و پاکستان به یک اهمال و غفلت و سهل انگاری در وظیفه آنهام برخاسته از تمایلات همجنس گرایانه. به عبارت ساده تر "باندارگ" می خواهد با زیر پای نمودن "زلمی ویسا" و وی را یک انسان فاسد از لحاظ اخلاقی، بچه باز و همجنس گرا معرفی نمودن، به همه کس فریاد بزند که در پس قضیه ترور قومندان "رازق" کدام توطئه سیاسی از جانب ارگ و امریکا در میان نبوده، بلکه طالب با استفاده از ضعف اخلاقی والی، بچه برهنه صورتی را نخست زیر پای وی افکنده، تا بعداً موفق به انجام ترور بگردد. یعنی اگر والی فاسد و بچه باز نمی بود، طالب به خواستش نرسیده، قومندان "رازق" زنده می ماند.

۲- این مسأله از دو جهت قابل ارزیابی است:

الف- فساد اخلاقی همجنسگرایانه در والی: در این که والی دارای چنان خصلتی بوده می نمی توانم قضاوت نمایم، هر چند بین بزرگترین تقریباً اکثر آنها به این عقیده اند که همجنس گرائی و همجنس بازی بین خلقی ها مروج بوده است، اما اگر قضیه واقعاً اینطور بوده، سؤالی که مطرح می گردد این است: "باندارگ" از کدام زمان به این ضعف والی پی برده است، قبل از حادثه قندهار و یا بعد از آن. هرگاه قبل از این حادثه می دانستند که والی شان بچه باز است یعنی بر مبنای فرهنگ حاکم در افغانستان و متابعت از شرع اسلامی فردیست فاسد و قابل مجازات نه قابل تقدیر و تکریم و بیش

از یک میلیون انسان را تحت حکم قرار دادن، چرا وی را بدین منصب گمارده بودند و هرگاه بعد از حادثه، یک باره متوجه شده باشند که بلی روابط بین والی و "گلبدین" رابطه بین "فاعل و مفعول" بوده، چنین درکی را از کجا به دست آورده اند؟

ب- طالب طرف دیگر این قضیه:

تا جایی که از ادعاها و حتاً قسماً عملکرد طالب به خصوص در شهر کابل که من خودم شاهد دوران سیاه حاکمیت آنها بودم بر می آید، آنها خود را خلاف سایر نیروهای جهادی و حاکمیت، به مثابه نیروهای ارزشی معرفی می نمودند. یعنی معتقد نبودند که "هدف وسیله را توجیه می کند" و در نتیجه این که برای رسیدن به هدف بچه برهنه صورتی را ماه ها زیر لنگ یک انسان فاسد بیندازند و از وی بخواهند تن به لواط بدهند تا به قومندان "رازق" دسترسی بیابد، حد اقل با ادعای های شان مطابقت ندارد. چنین طرز تفکری در مورد طالب، از آنها پیروان صادق روس، انگلیس و امریکا می سازد که برای رسیدن به هدف همیشه با پیشکش زیر ناف به سراغ حریفان رفته و باز هم خواهند رفت.

۳- از ظواهر امر بر می آید که گویا "زلمی ویسا" با همکاری اخیرش سخت مورد توجه امریکائی ها قرار گرفته است. یعنی امریکائی ها در وجود وی چنان وطنفروشی را یافته اند که اگر کشت کنی مانندش سبز نخواهد شد، این اعتماد تا حدودی "باندارگ" را به ترس انداخته که نکند امریکائی ها که در همه حالت دنبال خاین ترین ها می گردند، بر سر وی دست بکشند و "باندارگ" به عقب رانده شود.

هموطنان گرامی!

تا جایی که دیده می شود، این جنگ ادامه خواهد یافت و به این زودیها ختم نخواهد شد، پس باید در حد امکان جهت تشدید آن کوشید. تا

دیده شود چه می شود!!